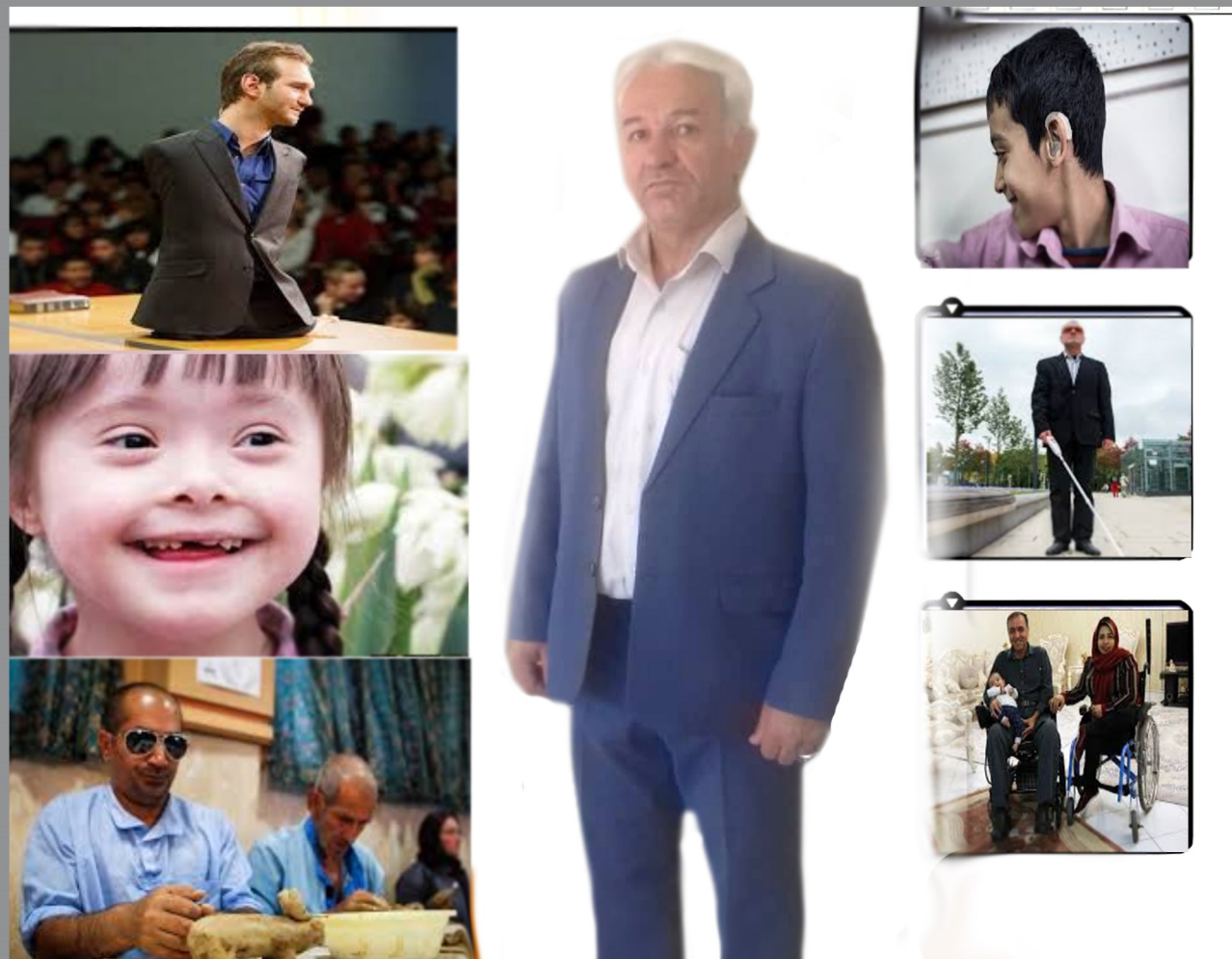


حمایت از معلولان در کنوانسیون بین‌الملل و حقوق بشر و حقوق ایران با تاکید بر نقش سازمان بهزیستی

تالیف: حمیدرضا الهیاری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمایت از معلولان در کنوانسیون بین‌الملل

و حقوق بشر و حقوق ایران

با تاکید بر نقش سازمان بهزیستی

تالیف:

حمیدرضا الهیاری



انتشارات موجک (ناشر دانشگاهی)



سرشناسه: الهیاری، حمیدرضا، ۱۳۵۱-

عنوان و نام پدیدآور: حمایت از معلولان در کنوانسیون بین الملل و حقوق بشر و حقوق ایران با تاکید بر نقش سازمان بهزیستی / تالیف حمیدرضا الهیاری.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات موجک، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۲۳۸ ص.

شابک: ۱-۵۲۲-۹۹۴-۶۰۰-۹۷۸، ۲۱۹۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: کنوانسیون بین المللی حقوق معلولان

موضوع: International Convention on the Rights of Persons with Disabilities

موضوع: سازمان بهزیستی کشور

موضوع: State Welfare Organization of Iran

موضوع: معلولان -- وضع حقوقی و قوانین

موضوع: People with disabilities -- Legal status, laws, etc.

موضوع: معلولان -- وضع حقوقی و قوانین - ایران

موضوع: People with disabilities -- Legal status, laws, etc. -- Iran

موضوع: معلولان -- حقوق مدنی -- همکاری های بین المللی

موضوع: People with disabilities-- Civil rights-- International cooperation

موضوع: معلولان - توانبخشی

موضوع: People with disabilities -- Rehabilitation

رده بندی کنگره: K۱۹۷۰

رده بندی دیویی: ۳۴۳/۰۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۴۷۳۵۹

انتشارات موجک (ناشر دانشگاهی)

واتساپ: ۰۹۳۶۳۰۳۱۲۵۸ کانال: telegram.me/mojak1

تلفن مرکز پخش: ۰۲۶۳۲۷۰۵۳۱۸ - ۰۲۶۳۲۷۰۲۶۵۹ - ۰۲۶۳۲۷۰۲۶۵۹۳ - ۰۲۱۶۶۴۲۹۷۳۳

ایمیل: mojakpublication@yahoo.com

سایت: www.mojak.ir اینستاگرام: mojakpublication



عنوان: حمایت از معلولان در کنوانسیون بین الملل و حقوق بشر و حقوق ایران با تاکید بر نقش سازمان بهزیستی

تالیف: حمیدرضا الهیاری

مشخصات ظاهری: ۲۳۸ صفحه، قطع وزیری

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۱، تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۲۱۹۰۰۰۰ ریال، شابک: ۱-۵۲۲-۹۹۴-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات موجک محفوظ است. هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق چاپ و تکثیر این اثر را به هر شکل و صورت اعم از فتوکپی، چاپ کتاب و ... را ندارد. متخلفین به موجب بند ۵ ماده قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

تقدیم به

روح مقدس پدرم
که عالمانه به من آموخت تا چگونه در
عرصه زندگی ایستادگی را تجربه کنم

تقدیم به

روح مطهر مادرم دریای بی کران فداکاری و عشق
که وجودم برایش این همه رنج بود وجودش برایم همه مهر بود

تقدیم به

همسرم اسطوره‌ی زندگی‌م پناه خستگی‌م و امید بودم

تقدیم به

دلبندانم کیمیا دخترم و امیرعلی پسر
امید بخش جانم که آسایش آنها آرامش من است

تقدیم به

جامعه هدف سازمان بهزیستی که عاشقانه در خدمت یاری
آنها تلاش نموده‌ام همه‌ی آنها را از صمیم قلب دوست دارم

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱۳	پیش‌گفتار.....
۲۱	فصل اول: حقوق معلولان.....
۲۱	۱-۱ تعریف معلول و معلولیت.....
۲۵	۲-۱ انواع معلولیت‌ها.....
۲۵	۱-۲-۱ معلولیت‌های جسمی.....
۲۶	۲-۲-۱ معلولیت ذهنی (حسی).....
۲۶	۳-۲-۱ معلولیت اجتماعی.....
۲۹	۳-۱ تعاریف مرتبط با معلولیت.....
۲۹	۱-۳-۱ توان‌بخشی.....
۲۹	۲-۳-۱ برابر سازی فرصت‌ها.....
۳۰	۳-۳-۱ توان‌بخشی مبتنی بر جامعه.....
۳۰	۴-۳-۱ خشونت.....
۳۰	۵-۳-۱ اهلیت جزائی.....
۳۰	۶-۳-۱ مسئولیت کیفری.....
۳۱	۷-۳-۱ فرآیند دادرسی.....
۳۱	۸-۳-۱ جرم و یا سوءاستفاده.....
۳۲	۹-۳-۱ جرم در رابطه با معلولیت.....

- ۳۳-۱-۱۰-۳-۱ حمایت حقوقی از افراد معلول ۳۳
- ۳۳-۱-۱۱-۳-۱ حمایت قضائی از افراد معلول ۳۳
- ۳۴-۱-۴-۱ ابهامات حقوقی معلولان ۳۴
- ۳۶-۱-۵-۱ ماهیت حقوق معلولان و تغییر نگرش ها ۳۶
- ۳۷-۱-۵-۱ تاریخچه نقض حقوق معلولان ۳۷
- ۴۰-۱-۵-۲ ماهیت حقوق ذاتی معلولان ۴۰

فصل دوم: حمایت از معلولان در کنوانسیون بین الملل و حقوق بشر ۴۷

- ۴۷-۱-۲ حقوق معلولان در کنوانسیون بین الملل و حقوق بشر ۴۷
- ۵۱-۲-۲ حقوق معلولان در نظام های دادرسی ۵۱
- ۵۲-۲-۳-۱ اصول حاکم بر جریان یک دادرسی عادلانه در مرحله پیش از محاکمه ۵۲
- ۵۳-۲-۳-۲ اصول ناظر بر تأمین آزادی متهم ۵۳
- ۵۷-۲-۳-۲ حق رهایی از بازداشت غیرقانونی و خودسرانه ۵۷
- ۶۳-۲-۳-۲ معیارهای داخلی ناظر بر حق رهایی از بازداشت غیرقانونی و خودسرانه ۶۳
- ۶۹-۲-۳-۲ حق برقراری ارتباط با خارج از محیط بازداشت ۶۹
- ۷۰-۲-۳-۲ ارزیابی مقررات بین المللی در زمینه حق برقراری ارتباط ۷۰
- ۷۳-۲-۳-۲ ارزیابی مقررات داخلی در زمینه حق برقراری ارتباط ۷۳
- ۷۳-۲-۳-۲ ممنوعیت شکنجه و حق برخورداری از رفتار و شرایط انسانی در طول بازداشت پیش از محاکمه ۷۳
- ۷۶-۲-۳-۲ ممنوعیت شکنجه و رفتار ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز در قوانین بین المللی ۷۶
- ۷۸-۲-۳-۲ ممنوعیت شکنجه و رفتار ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز در قوانین بین المللی ۷۸
- ۸۶-۲-۳-۲ ضرورت پایان یافتن تحقیقات مقدماتی و شروع رسیدگی در مهلت معقول ۸۶
- ۸۸-۲-۴-۱ اصول حاکم بر جریان یک دادرسی عادلانه در مرحله دادرسی ۸۸
- ۹۹-۲-۴-۱ اصل براءت متهم ۹۹
- ۱۰۳-۲-۴-۲ حق حضور متهم و رسیدگی حضوری ۱۰۳
- ۱۰۷-۲-۴-۳ حق متهم بر حضور فوری در برابر مقام قضایی ۱۰۷

۴-۴-۲ تکلیف یا اختیاری بودن حضور متهم برای آخرین دفاع ۱۱۱

فصل سوم: حمایت حقوقی از معلولان در حقوق ایران ۱۲۱

۱-۳ حمایت حقوقی از معلولان ۱۲۱

۲-۳ بررسی گرایش سیاست‌های حمایتی حقوقی ۱۲۳

۱-۲-۳ بررسی گرایش سیاست‌های حمایتی حقوقی کنوانسیون سی.آر.پی.دی ۱۲۴

۲-۲-۳ بررسی گرایش سیاست‌های حمایتی حقوقی معلولان در ایران ۱۳۱

۳-۳ بررسی جامعیت قوانین حمایتی حقوقی از افراد معلول ۱۳۵

۱-۳-۳ بررسی جامعیت مقررات حمایت حقوقی از افراد معلول در کنوانسیون سی.آر.پی.دی

..... ۱۳۶

۲-۳-۳ بررسی جامعیت قوانین حمایتی حقوقی از افراد معلول در ایران ۱۴۷

۴-۳ بررسی نوع اثرپذیری قوانین حمایتی حقوقی ایران از کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت

..... ۱۵۶

۱-۴-۳ اثرپذیری حقوق داخلی از کنوانسیون افراد دارای معلولیت از جنبه حفاظت حقوقی

..... ۱۵۸

۲-۴-۳ اثرپذیری حقوق داخلی از کنوانسیون افراد دارای معلولیت از جنبه حمایت حقوقی

..... ۱۶۰

فصل چهارم: حمایت قضائی از معلولان در حقوق ایران ۱۶۳

۱-۴ حمایت قضائی از معلولان ۱۶۳

۲-۴ بررسی گرایش سیاست‌های حمایتی قضائی ۱۷۰

۱-۲-۴ بررسی گرایش سیاست‌های حمایتی قضائی کنوانسیون سی.آر.پی.دی ۱۷۲

۲-۲-۴ بررسی گرایش سیاست‌های حمایتی قضائی ایران ۱۷۹

۳-۴ بررسی جنبه‌های حمایت قضائی کنوانسیون سی.آر.پی.دی ۱۸۴

۱-۳-۴ آموزش و توانمندسازی افراد معلول ۱۸۵

- ۱۸۷ تسهیل دسترسی ۲-۳-۴
- ۱۸۹ آموزش کارکنان ۳-۳-۴
- ۱۹۳ حضور مؤثر در تمامی مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی ۴-۳-۴
- ۱۹۵ حفاظت از افراد معلول ۵-۳-۴
- ۱۹۷ بررسی جنبه‌ها و اثرپذیری سیاست‌های حمایت قضائی از معلولان، در ایران ۴-۴
- ۱۹۹ جنبه ساختاری ۱-۴-۴
- ۲۰۲ جنبه رویه‌ای ۲-۴-۴
- ۲۰۵ جنبه نگرشی ۳-۴-۴
- ۲۰۷ ویژگی قوانین ۴-۴-۴

فصل پنجم: خدمات سازمان بهزیستی ۲۱۱

- ۲۱۱ معرفی سازمان بهزیستی ۱-۵
- ۲۱۱ اقدامات پیشگیرانه ۲-۵
- ۲۱۲ شناسایی معلولین ۳-۵
- ۲۱۲ هزینه تحصیل ۴-۵
- ۲۱۲ تأسیس مؤسسات توان بخشی ۵-۵
- ۲۱۳ پرداخت کمک هزینه زندگی ۶-۵
- ۲۱۳ معرفی معلولین به نهادهای استخدامی ۷-۵

فصل ششم: نقش سازمان بهزیستی در حمایت از معلولان ۲۱۵

- ۲۱۵ چالش‌های ناشی از فعل معلولین ۱-۶
- ۲۱۶ چالش‌های ناشی از نقض وسایل آموزشی ۱-۱-۶
- ۲۲۰ گسترش آگاهی‌های عمومی در خصوص افراد معلول ۲-۱-۶
- ۲۲۱ چالش‌های ناشی از فعل پرستاران و کادر درمان ۳-۱-۶
- ۲۲۲ چالش‌های ناشی از فعل مدیران مراکز نگهداری ۴-۱-۶

- ۲۲۳ ۵-۱-۶ صدارت پزشکان
- ۲۲۴ ۲-۶ مشاعت بهزیستی و مدیران درون سازمانی
- ۲۲۵ ۱-۲-۶ مناسب سازی فضا موجب افزایش حضور معلولان در جامعه می شود
- ۲۲۶ ۳-۶ کرونا و افراد بیمار و کم توان
- ۲۲۸ ۱-۳-۶ اقدامات دولت برای حمایت از آسیب پذیران
- ۲۲۹ ۲-۳-۶ اهمیت حمایت از اقشار بیمار و ضعیف جامعه
- ۲۳۰ ۳-۳-۶ بحران کرونا و لزوم تغییر در شیوه‌های توانبخشی معلولان و سالمندان

- ۲۳۳ منابع
- ۲۳۳ منابع فارسی
- ۲۳۳ الف- کتاب
- ۲۳۵ ب- مقاله
- ۲۳۷ منابع انگلیسی

پیش‌گفتار

همواره جوامع انسانی، چالش‌هایی در مواجهه با حقوق انسان‌ها، از جنبه عقیدتی، نژاد و ضعف‌ها و ناتوانی‌ها و.. دارد. گاه ضرورت‌ها در جوامع انسانی مانع از آن می‌شود که تفکرات عقیدتی جنبه اجرائی پیدا کنند و گاه خود تفکرات عقیدتی، عقیم می‌ماند.

معلولان به عنوان کسانی که حقوق انسانی مساوی با تمامی انسان‌ها دارند، همواره قربانی این چالش‌ها هستند و اگر کسانی صدای درون خفته آنها را نشنود، همواره بخش قدرتمند جوامع بخش ضعیف و ناتوان آن را محروم و نابود خواهد کرد.

براستی رویکرد ما پیرو کدام منطق است؟ آیا ما خود را حامی معلولان و افراد ناتوان می‌دانیم، یا آنها حق دارند که از حمایت ما برای دست‌یابی به حقوق خود برخوردار شوند. قانونگذاران و حامیان این عزیزان چگونه می‌توانند، دردهای خفته و چشمان نظاره‌گر آنها را درک کنند، در حالی آنها نمی‌دانند، بی‌انتظار دنیای خود را کوچک کردند و حتی حاضر نیستند، دنیای بزرگ ما را شریک شوند. آن‌ها هر روز فراموش شدنشان را فراموش می‌کنند^۱ و.....

معلولیت عنوانی است که ما برای هر کس که ناتوان است، بکار می‌گیریم، ناتوان از انجام کارهای روزانه، ناتوان از سازگاری با دیگران و...، با وجود این، ما چقدر در درک آن‌ها، توانا هستیم و چقدر می‌توانیم در کنار آنها زندگی کنیم و چقدر می‌توانیم حامی آنها باشیم؟

معلولیت عبارت است از مجموعه‌ای از عوامل ذهنی، جسمی و اجتماعی و یا ترکیبی از آنها که به نحوی در زندگی شخصی اثر سوء دارد و مانع از ادامه زندگی وی به صورت طبیعی می‌گردد و

^۱ - پیرمردی هر روز صبح از خانه‌اش خارج می‌شد که یک روز در راه دچار سانحه شد و آسیب دید. او را به بیمارستان رساندند. پرستار: «باید از شما عکسبرداری کنیم، کمی طول می‌کشد.» پیرمرد برآشفته شد: «اما من عجله دارم نمی‌توانم صبر کنم» پرستار: «دلیل عجله چیست؟!»، پیرمرد: «همسرم در خانه سالمندان است و من هر روز صبحانه را با او میل می‌کنم، نمی‌خواهم دیر شود» پرستار: «من به او اطلاع خواهم داد» پیرمرد با اندوه گفت: خیلی متأسف‌ام، او آلزایمر دارد، چیزی را متوجه نخواهد شد، پرستار با حیرت گفت: وقتی نمی‌داند شما چه کسی هستید، چرا هر روز صبح برای صرف صبحانه پیش او می‌روید؟!، پیرمرد با صدای گرفته به آرامی گفت: «اما من که می‌دانم، او چه کسی است، نمی‌دانم!؟»

غالباً به دلیل عدم امکان زندگی مستقل از نظر شخصی و اجتماعی نیازمند خدمات ویژه‌ای چه از بابت ادامه زندگی و چه از نظر اجتماعی می‌باشند.^۱

به عبارتی، معلولیت نوعی ناتوانی در مواجهه مساوی با مشکلات و موانع می‌باشد که بخش زیادی از افراد جامعه را در بر می‌گیرد. در حقوق مدرن بزه‌کاران، زنان و کودکان آسیب‌پذیر و افرادی که توانایی اداره کردن زندگی خود را به شکل سازگارانه ندارند، در زمره معلولان قرار می‌گیرند. هر چند جوامع قابلیت پذیرش آن را با تکیه بر منطق فعلی ندارند.

جامعه، قانون و ساختارهای اجتماعی و قضائی به عنوان نهادها و ابزارهایی هستند که همواره بنا به مقتضایات افراد جامعه و اقشار مختلف نیازمند تغییر و تحول می‌باشند، به گونه‌ای که بتوانند شرایط زندگی را برای تمامی اقشار و گروه‌ها به یک نسبت باثبات و ارتقاء دهند. به عبارتی، جامعه‌ای که در آن تمامی افراد اعم از افراد سالم و افراد معلول بتوانند با تکیه بر شرایط موجود در جامعه از جنبه‌های مختلف، شرایط یکسان و امیدوارکننده‌ای داشته باشند، یک جامعه ایده آل خواهد بود.

رویکردهای تاریخی به حقوق معلولان همواره نشان از سیر تحول اندیشه در باب نگرش به اقشار مختلف انسانی با حقوق اساسی مساوی می‌باشد. دوره‌های مختلف در تاریخ بشر همواره با نوسان‌های سیاسی و اجتماعی زیادی مواجه بوده است، این نوسان‌ها همواره از ایجاد شرایط پایداری که حقوق انسان‌ها و افراد بشری از اقشار مختلف را به رسمیت بشناسد، جلوگیری می‌کرد، به عبارتی، با افزایش ثبات داخلی و بین‌المللی همواره رویکرد الویت‌نگرانه، جای خود را به رویکرد عدالت‌محورانه می‌دهد و افراد معلول و غیرمعلول شرایط نزدیک به هم پیدا می‌کنند که می‌توان این مسئله را با مقایسه وضعیت افراد معلول، زنان و کودکان در کشورهای جهان سوم و اغلب جنگ‌زده و کشورهای توسعه‌یافته و یا مقایسه وضعیت این اقشار در دوران مصادف با جنگ‌های جهانی اول و دوم و زمان حال درک کرد.

با استقرار ثبات سیاسی اجتماعی تحول نگرش در حقوق اساسی افراد به عنوان قدم بعدی محسوب می‌شود که سرمنشاء آن بیانیه‌ها و قوانین بین‌المللی و داخلی می‌باشد، با وجود این، سیر تحول در تمامی کشورها مطابق با سازمان‌های بین‌المللی، به دلایلی چون اختلافات سیاسی، نگرشی و

^۱ حسینی، سید حسن، صفری، فاطمه، (۱۳۸۷)، معلولیت، طرد و فقر اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی (۳۰-۳۱)، صص

محدودیت‌های زمینه‌ای (مانند نبود امکانات و ضعف اقتصادی و ساختاری) همواره متوازن نبوده است.

از این رو، با تحول جنبه‌های مختلف در جوامع می‌توان تحول در عرصه حقوق بشر و در درجه دوم تحول در عرصه حقوق اساسی مساوی در میان اقشار مختلف را مورد بحث قرار داد. معیار دست‌یابی به این اهداف در جوامع، تابعی از میزان کارایی ساختارهای قانونگذاری و حمایتی و اجرایی می‌باشد، به عبارتی، با تسهیل شدن زندگی و افزایش رضایت عمومی (بافرض اینکه تمامی اقشار اعم از معلول و غیرمعلول حقوق مساوی داشته باشند) می‌توان گفت که جامعه عدالت‌محور و سالم وجود دارد.

در بعدی دیگر باید گفت که جامعه‌ای که از ارائه خدمات چه از بعد اجرای قانون و چه از بعد حمایت از اقشار ضعیف و چه از جنبه‌های مختلف که مرتبط با حقوق برابری انسان باشد ناتوان باشد، همواره به عنوان جامعه معلول شناخته می‌شود که معلولان در آن نمی‌توانند به حقوق انسانی خود دست پیدا کنند، زیرا افراد معلول چه از جنبه فیزیکی و چه از جنبه روانی نیازمند حمایت ویژه برای هم سطح شدن با افراد دیگر هستند. عدم تقارن نیازهای افراد معلول با سیاست‌های حمایتی می‌تواند این افراد را تحت فشار قرار دهد.

افراد معلول از لحاظ نوع معلولیت دامنه گسترده‌ای دارند و نیازمندی‌های این افراد در ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی نیز گسترده و هزینه‌بر می‌باشد و بنابراین، قائل شدن به حقوق اساسی به موازات تصویب‌نامه‌های حقوق بشری نیازمند این خواهد بود که جوامع رویکرد حق‌مدارانه اقشار معلول و ضعیف جامعه را به رسمیت بشناسد، معیاری که نشان‌دهنده دستیابی جوامع به این امر باشد، می‌تواند شامل موارد تنظیم قوانین حمایتی از اقشار محروم و معلول (برای دستیابی به حقوق مساوی)، اجرای قوانین حمایتی، تعریف نوع روابط افراد معلول نسبت به سازمان‌ها و تسهیل این روابط (و در کل ایجاد ساختارهای سازگار با افراد معلول، بگونه‌ای که امکان دسترسی به حقوق اساسی را به تمامی افراد جامعه به یک‌اندازه منطقی فراهم کند.

اما دست‌یابی به حقوق مساوی در شرایط آرمانی فراهم می‌شود، بنابراین، همواره حقوق افراد با چالش روبه‌رو بوده و عواملی چون عدم جامعیت قانون، بی‌اطلاعی اغلب افراد از حقوق واقعی خود، عدم توانایی در دفاع از حقوق خود و مواردی از این قبیل در جوامع وجود دارد که افراد معلول به

دلیل اینکه جزء ناتوان‌ترین افراد جامعه می‌باشند، بنابراین، بیش‌ترین آسیب‌پذیری را از جنبه دستیابی به حقوق خود دارند، از این رو، نهادهای حمایتی، قضائی که فلسفه وجودی خود را در دفاع از حقوق افراد تحت ظلم قرار گرفته، می‌دانند، همواره در جهت دستیابی به کارایی بالا، در پاسخگویی بوده‌اند، این نهادها از جنبه‌هایی توسعه پیدا کرده‌اند که همواره بیش‌ترین الویت را از دید قانونگذاران و نهادهای بین‌المللی داشته‌اند. همان‌گونه که بیانیه‌های حقوق بشری قبل از بیانیه‌ها و تصویب‌نامه‌های حمایتی از حقوق افراد معلول مطرح شده‌اند.

البته نهادهای مدافع حقوق افراد معلول در کشور ما از همان دوران انقلاب و نه حتی به تقلید و یا تعهد بین‌المللی مانند کمیته امداد و سازمان بهزیستی بوجود آمده‌اند، اما باید گفت که نمی‌توان با تکیه بر چند نهاد نیازهای معلولان را مرتفع کرد.

با وجود اینکه قوانین حمایتی و حقوقی معلولان همگام با کشورهای توسعه‌یافته و نظام بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه نیز دچار تحول شده است، اما باید اذعان کرد که اغلب این همگام‌سازی‌ها به شکل عملی صورت نمی‌گیرد.

از این رو، در حال حاضر اگرچه نهادهای حامی افراد معلول، بوجود آمده‌اند و یا قوانین حمایتی از افراد معلول وضع شده‌اند و حتی بیانیه‌ها و قوانین بین‌المللی سختگیرانه‌تری در برآوردن حقوق افراد معلول بوجود آمده‌اند که کشورهای عضو ملزم به رعایت این قوانین هستند. اما باید اذعان کرد حقوق افراد معلول در اغلب موارد به شکل گسترده‌ای نقض می‌شود.

حال آنکه عدم تحول نهاد قضائی و سیستم‌های حمایتی در جهت نیل به اهداف برآورده کردن حقوق مساوی، در حمایت از افراد معلول باعث شده است که مجرای مناسبی برای رسیدن به حقوق مساوی بوجود نیاید. به عبارتی، سیستم‌های قضائی از جنبه‌های مختلف دچار محدودیت هستند که هر کدام از آنها شرایط را برای تحول جامعه بسوی حقوق مساوی در جهت حمایت از افراد معلول، بدتر می‌کند. اولین محدودیت در مسیر تحول سیستم‌های حمایتی قضائی می‌تواند به جامعیت قانون مرتبط باشد.

قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران بیش از آن که قانونی حق‌محور باشد و بر شناسایی و تضمین حقوقی برابر با افراد عادی تأکید کند، نگاهی رفاهی به موضوع دارد. از سوی دیگر، همین قانون نه چندان جامع و نیازمند اصلاح نیز تاکنون جز در موارد محدود و آن هم به طور نسبی به

مرحله اجرا درنیامده است. این قانون به لحاظ حقوقی و قضائی، تحولی نداشته است، به عبارتی، نه از جنبه ماهوی و نه از جنبه شکلی تاثیری از کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت پذیرفته و فقط از نقطه نظر رفاهی و اجتماعی همگرایی محسوسی با کنوانسیون داشته است.

از طرفی قوانین حمایتی بگونه‌ای منفردانه و کلی تدوین شده است که آیین‌نامه‌های حاصله این مواد قانونی در نهادهای مرتبط از جمله نهادهای قضائی همواره ضعف‌های این قوانین را به ارث برده‌اند که از جمله این ضعف‌ها عدم تعریف دقیق از حقوق معلولان در مواجهه با سازمان‌های حامی خود و عدم تسهیل شرایط برای معلولان در جهت دستیابی به حقوقشان در نهادهای قضائی می‌باشد و به عبارتی، افراد معلول با جامعه و سازمان‌هایی معلول مواجه می‌شوند که در نهایت حقوق آنها را پایمال می‌کند. از سویی دیگر افراد معلول به واسطه معلولیت خود در معرض آسیب زیادی قرار دارند و همواره قربانی بیش‌ترین نقض حقوق، تجاوز و آزار و اذیت می‌باشند که نه در قوانین و نه در آیین‌نامه‌های داخلی سازمان‌های حمایت حقوقی و قضائی مورد توجه قرار نگرفته‌اند و بیش‌تر این جرائم علیه این افراد (به‌خصوص معلولان ذهنی) به دلیل سخت بودن دسترسی به عدالت (بخاطر کمبودهای قانونی، ساختاری، نگرشی) از چشم نهادهایی حمایتی دور می‌مانند و دسترسی به و کلا و تسهیلات حمایتی نیز در شرایط ضرورت در قانون و آیین‌نامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

بنابراین، با توجه به وضعیت قوانین تصویبی داخلی و عنایت به کنوانسیون‌های حقوق بین‌المللی و حقوق معلولان و نیز موانع ساختاری، نگرشی و توجه به جنبه‌های مختلف معلولیت و حقوق معلولان سوالی که پیش می‌آید، این است که قوانین داخلی کشور یا در جهت همگام‌سازی با کنوانسیون‌های خارجی و تحت فشار آنها تصویب شده است که با وجود عدم رعایت آن قوانین یک نوع سرپوش گذاشتن بر وضعیت داخلی معلولان می‌باشد و یا این که توانایی دستگاه‌ها و سازمان‌های حمایتی و قضائی و حتی خصوصی برای ارائه تسهیلات قابل اتکا نمی‌باشد و بگونه‌ای ضعف قانون، مانع از تحول سیستم‌ها و ساختارهای حمایتگر و قضائی از حقوق افراد معلول شده است و یا این که الزامی در قانون برای رعایت حقوق افراد معلول وجود ندارد که می‌توان بر رویکرد تصویب‌کننده قانون و نیز نوع نگرش قانونگذار نسبت به این قشر از جامعه باشد.

معلولان به عنوان اعضای جوامع بشری همواره حقوق ذاتی یکسانی با سایرین دارند همان‌گونه که در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است «بازشناسی حرمت ذاتی آدمی و حقوق برابر و

سلب‌ناپذیر تمامی اعضای خانواده بشری بنیان آزادی، عدالت و صلح در جهان است». انسان‌ها با هر رنگ و نژاد و شرایطی که دارند حقوق مساوی و برابری در پیشگاه عدالت دارند و قوانین هر کشوری متضمن دسترسی به عدالت می‌باشد، قوانین داخلی و بین‌المللی چه به شکل شکلی و چه به شکل ماهوی همواره ابزاری در دستیابی به حقوق مساوی تمامی افراد جامعه می‌باشد، اصولاً این قوانین باید با تکیه بر حقوق ذاتی انسان‌ها بگونه‌های تدوین گردند که افراد جامعه اعم از معلول و غیرمعلول را به یک‌اندازه در پیشگاه عدالت مورد حمایت قرار دهند، بگونه‌های که هیچ یک نتوانند بر دیگری تسلط پیدا کنند. از این رو کارایی و جامعیت قوانین حمایتی می‌تواند از طریق نیل به هدف فوق مورد سنجش قرار گیرد که در این پژوهش یکی از اهداف، سنجش جامعیت قوانین داخلی و بین‌المللی مطابق با اصل حقوق ذاتی برابر افراد عادی و افراد معلول می‌باشد که مورد اهمیت می‌باشد.

با توجه به اینکه قوانین تصویب شده در ایران مطابق با کنوانسیون‌های می‌باشد، با وجود این، یکی از اهداف این تحقیق تعیین شفافیت و موانع و مشکلات قانونگذاری در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و کنوانسیون سی. آر. پی. دی می‌باشد که می‌تواند خلاءهای موجود در قانونگذاری و اصل عدم کارایی فراگیر آن را نسبت به کشورهای دیگر و کنوانسیون‌های بین‌المللی مشخص کند که می‌تواند از نظر عملی در جهت رفع اشکالات موجود در قوانین و موانع اجرایی آن مفید باشد.

در تمام مناطق دنیا و تمام سطوح هر جامعه ممکن است افرادی به دلیل محدودیت عملکردهای فیزیکی، روانی، حسی یا وضعیت‌های طبی یا بیماری ذهنی دچار معلولیت شوند. معلولیت به معنی از دست دادن یا محدودیت فرصت‌های شرکت در زندگی اجتماعی در یک سطح مساوی با دیگران است. افراد دارای معلولیت شامل کسانی می‌شوند که دارای نواقص درازمدت فیزیکی، ذهنی، فکری یا حسی می‌باشند که در تعامل با موانع گوناگون امکان دارد، دچار مشکل شوند. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ میلادی در ۵۰ ماده به تصویب رسید که ماده ۱۲ به شناسایی برابر در پیشگاه قانون و ماده ۱۳ به دسترسی معلولان به عدالت اختصاص داشته است. مسئله حمایت از افراد دارای معلولیت در کشورهای در حال توسعه مانند ایران که هنوز شاخص‌های کمی و کیفی توسعه در مراحل اولیه پیشرفت قرار دارد و به خصوص در کشورهایی که سازمان بهداشت جهانی اذعان می‌نماید بیش از دو سوم کل معلولان جهان در آنها زندگی می‌کنند، اهمیت بیش‌تری می‌یابد

و این مسئله باز برای کشور ما از این جهت که سال‌ها درگیر جنگ بوده، اهمیت مضاعف یافته است و مشخص شدن حقوق اساسی معلولان و نیز نوع دسترسی، فرایند و کیفیت دسترسی آنان به حقوق خود و عدالت می‌تواند بخش بزرگی از جمعیت کشور را از مشکل نقض حقوق خود، برهاند. نتایج این کتاب می‌تواند در جهت شناسایی مشکلات معلولان و نیز حقوق مسلم آنها که از نظر کنوانسیون بین‌المللی حمایت از افراد دارای معلولیت و قوانین داخلی باید به آنها عمل شود، می‌تواند بسیار مفید باشد، زیرا اغلب قوانین خشک و صرفاً با پوسته رعایت حقوق بشر، بوجود می‌آیند که از طرفی معلولان را امیدوار می‌کند و از طرف دیگر اجرای این قوانین به شکل یک رؤیا دست نخورده باقی می‌ماند. بنابراین، تکیه بر نتیجه کتاب حاضر می‌تواند درک درستی را از فضای حقوق معلولان به جامعه ارائه کند.

در پایان، بر خود لازم می‌دانیم که از همه عزیزان و بزرگوارانی که در مراحل گوناگون آماده سازی این کتاب ما را یاری نموده‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم.

حمیدرضا الهیاری

تابستان ۱۴۰۱

Supporting the Disabled in the International Convention on Human Rights and Iranian Rights Emphasizing the Role of the Welfare Organization

Hamidreza Al-Hiyari

همواره جوامع انسانی، چالش‌هایی در مواجهه با حقوق انسان‌ها، از جنبه عقیدتی، نژاد و ضعف‌ها و ناتوانی‌ها و.. دارد. گاه ضرورت‌ها در جوامع انسانی مانع از آن می‌شود که تفکرات عقیدتی جنبه اجرائی پیدا کنند و گاه خود تفکرات عقیدتی، عقیم می‌ماند. معلولان به عنوان کسانی که حقوق انسانی مساوی با تمامی انسان‌ها دارند، همواره قربانی این چالش‌ها هستند و اگر کسانی صدای درون خفته آنها را نشنود، همواره بخش قدرتمند جوامع بخش ضعیف و ناتوان آن را محروم و نابود خواهد کرد. برآستی رویکرد ما پیرو کدام منطق است؟ آیا ما خود را حامی معلولان و افراد ناتوان می‌دانیم، یا آنها حق دارند که از حمایت ما برای دستیابی به حقوق خود برخوردار شوند. قانونگذاران و حامیان این عزیزان چگونه می‌توانند، دردهای خفته و چشمان نظاره‌گر آنها را درک کنند، در حالی آنها نمی‌دانند! بی‌انتظار دنیای خود را کوچک کردند و حتی حاضر نیستند، دنیای بزرگ ما را شریک شوند، آن‌ها هر روز فراموش شدنشان را فراموش می‌کنند و.....

معلولیت عنوانی است که ما برای هرکس که ناتوان است، بکار می‌گیریم، ناتوان از انجام کارهای روزانه، ناتوان از سازگاری با دیگران و...، با وجود این، ما چقدر در درک آن‌ها، توانا هستیم و چقدر می‌توانیم در کنار آنها زندگی کنیم و چقدر می‌توانیم حامی آنها باشیم؟

